فروتنی، سولماز؛ نوکاریزی، محسن؛ کیانی، محمدرضا؛ مختاری اسکی، حمیدرضا (۱۳۹۷). ارائۀ شیوه‌نامه‌ای به منظور حفظ دانش بومی در کتابخانه‌های روستایی. *پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۸(۲)، ۲۴۳-۲۶۳.

ارائۀ شیوه‌نامه‌ای به‌منظور حفظ دانش بومی در کتابخانه‌های روستایی

سولماز فروتنی[۱]، محسن نوکاریزی[۲]، محمدرضا کیانی[۳]، حمیدرضا مختاری اسکی[۴]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۲ DOI: 10.22067/riis.v0i0.65302

چکیده

مقدمه: دانش بومی،دانش محلی، سنتی یا قومی است که ماهیت آن تجربی،شفاهی وذهنی است. تدوین آن دشوار است چرا که دانشی ضمنی و پنهان است با ظهور علم نوین و پیشرفت جوامع مورد غفلت قرار گرفته و در معرض نابودی است. این جنوبی در کتابخانه‌های روستایی انجام گرفت مطالعه با هدف پیشنهاد و ارائۀ الگویی به‌منظور مستندسازی، حفظ و اشاعۀ دانش بومی روستاییان خراسان.

روش‌شناسی: این مطالعۀ کیفی به‌روش نظریۀ زمینه‌ای انجام شد. داده‌ها به‌کمک ابزار مصاحبۀ نیمه‌ساختاریافته از نمونه‌ها گردآوری شد. نمونه را بیست مرد و ده زن روستایی، هشت کتابدار و سه نفر مطلع از دانش بومی استان خراسان جنوبی تشکیل داد. روایی پژوهش به‌کمک بازخورد همتایان و توضیح مفصل و غنی و داوران بیرونی تأیید شد. پایایی پژوهش نیز از طریق تصویربرداری و ضبط صدا و یاداشت‌برداری واژه‌به‌واژه با آوانگاری تقویت شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد سازمان‌های بسیاری می‌توانند به‌منظور حفظ و اشاعۀ دانش بومی فعالیت کنند. دراین‌میان، کتابخانه‌های روستایی می‌توانند در بین سازمان‌ها نقش مؤثری ایفا کنند؛ چون نزدیکترین مراکز دانش در روستا هستند و با ایجاد انگیزه و افزایش مهارت‌های تخصصی، فنی، پژوهشی و کلامی به کتابداران و همچنین با مستندسازی دانش بومی به‌هر دو صورت رقومی و چاپی می‌توانند در نقش هماهنگ‌کننده ظاهر شوند.

۱. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه بیرجند و دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مسؤول کتابخانه مرکز تحقیقات وآموزش کشاورزی و منابع طبیعی خراسان جنوبی، s_forootani8589@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)، mnowkarizi@um.ac.ir

۳. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه بیرجند، kiani.mreza@birjand.ac.ir

۴. دکتری علم اطلاعات و دانش شناسی، عضو هیات علمی مرکز آموزش عالی امام خمینی(ره)، mokhtari@ihec.ir

نتیجه گیری: شیوه‌نامهٔ به‌دست‌آمده مهم‌ترین نتیجهٔ حاصل از این پژوهش بود. این شیوه‌نامه بر چهار اصل تخصص، تعهد، تعامل و تعادل استوار است. از طریق این شیوه‌نامه، ده مرحلهٔ شناسایی، انتخاب، یادگیری، ارتباط، اقدام، پیاده‌سازی، بازبینی، ثبت، سازماندهی و دسترسی، به‌منظور مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ دانش بومی روستاییان به کتابخانه‌های روستایی خراسان جنوبی ارائه داده شده است.

واژگان کلیدی: کتابخانهٔ روستایی، دانش بومی، نظریهٔ زمینه‌ای، مستندسازی، اشاعه.

مقدمه

دانش بومی دانش محلی، سنتی یا قومی نامیده می‌شود. این دانش برای تعریف و طبقه‌بندی پدیده‌ها در محیط‌های فیزیکی، طبیعی و اجتماعی خاص به‌کار برده می‌شود. این نوع دانش با دانشی که افراد جامعه از طریق مراکز رسمی مثل دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی دولتی و خصوصی کسب می‌کنند، تفاوت دارد. فرهنگ یک ملت اغلب بازتاب عوامل محیطی آن ملت است و محمل اصلی انتقال دانش بومی از طریق فرهنگ عامهٔ ملت، ضرب‌المثل‌ها، آداب و رسوم، هنرها، صنایع دستی و اصطلاحات محلی است. در نتیجه، دانش بومی بدنهٔ یک نظام را شکل می‌دهد و آن را به تکامل می‌رساند. نظامی که به‌شیوه‌های مختلف با درون و بیرون جامعه در ارتباط است. کتابخانه‌ها و حرفه‌های اطلاع‌رسانی نقش مهمی در حفظ و اشاعهٔ دانش بومی به‌سایر نقاط جهان بازی می‌کنند و با این کار باعث تسهیل توسعهٔ پایدار، ترویج و کشف دوبارهٔ سنت‌های از دست‌رفته می‌شوند و با قراردادن دانش بومی در وب‌سایت‌ها اجازهٔ دسترسی کامل‌تر و آسان‌تر را به جهانیان می‌دهند (اوکرافور[1]، ۲۰۱۰).

بیشتر صاحبان دانش بومی در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و میزان دانش افراد ممکن است باتوجه‌به سن، تحصیلات، تجربه، جنسیت، موقعیت اجتماعی و اقتصادی، نقش‌ها و مسئولیت‌ها، حرفهٔ فرد، میزان کنجکاوی او متفاوت باشد (کاربو[2]، ۲۰۰۵). چالش پیش روی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی این است که طراحی و انجام مستندسازی دانش بومی از طریق سازوکاری هماهنگ است. این سازوکار هماهنگ باید آن چه دیگران انجام می‌دهند و بسترهای نرم‌افزاری که فراهم می‌کنند را به‌اطلاع سایر متولیان امور برساند تا در بهترین شیوه و به بهترین روشی که آزموده شده به اشتراک گذاشته شود (سیتول[3]، ۲۰۰۷).

وقتی که دانش بومی به بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی مربوط است، عنصر حیاتی که باید به آن توجه کرد، ضروت تنظیم پروتکل‌ها، شیوه‌نامه‌ها و الگوهایی است که راهنمای کار باشند، به حرفه‌مندان برای مقابله با مسائل ناآشنا کمک کنند و راهنمای کار در آینده و ایجاد انسجام در عمل باشند. به‌ویژه زمانی‌که دانش بومی در قالب‌های مختلفی چون متن، مواد گرافیکی، رقص‌های محلی، جشن‌ها و آداب و رسوم، عکس‌های تاریخی،

1. Okorafor
2. kargbo
3. Sithol

فیلم و نوارهای صوتی نشان داده می‌شود، مستندسازی آن‌ها با مشکل بیشتری مواجه خواهد بود و ارائۀ الگویی که راهنمای کتابخانه‌ها باشد ضروری است (ناکاتا[1] و لانگتون[2]،۲۰۰۹).

روستاییان خراسان جنوبی از نظر فرهنگ و دانش بومی، غنی هستند و تجارب ارزنده‌ای در مقابله با چالش‌ها و مشکلاتی چون خشکسالی، محرومیت و دوری از مراکز درمانی، آموزشی کلان شهرها به‌دست آورده‌اند. آنان با دانشی که آن را با آزمون و خطا بارها و بارها آموخته‌اند و سینه‌به‌سینه و نسل‌به‌نسل حفظ کرده‌اند، برای کودکانشان شعر و لالایی خوانده‌اند، بیماری‌هایشان را با گیاهان دارویی درمان کرده‌اند، کشاورزی کرده‌اند و برای دفع آفات و مبارزه با کم‌آبی و درمان دام و طیور چاره اندیشیده‌اند. ازآنجاکه این دانش به‌صورت ذهنی و شفاهی است، بدون مستندسازی در معرض نابودی قرار می‌گیرد. به‌نظر می‌رسد کتابخانه‌های روستایی به‌دلیل اینکه تنها مراکز دانش در روستا هستند، می‌توانند در مستندسازی، حفظ و اشاعه دانش بومی روستاییان نقش داشته باشند.

مسئلۀ اساسی این پژوهش این است که کتابخانه‌های روستایی چگونه می‌توانند در مستندسازی، حفظ و اشاعۀ دانش بومی روستاییان خراسان جنوبی نقش داشته باشند؟ همچنین اینکه چه الگویی را برای خط حرکت در این مسیر می‌توان پیشنهاد داد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها و پرسش‌هایی نظیر آنچه در ادامه می‌آید، پژوهش حاضر طراحی شد.

۱. به چه شیوه‌هایی می‌توان دانش بومی روستاییان را مستند کرد؟
۲. کدام شیوه (رقومی، غیررقومی) برای حفظ دانش بومی روستاییان خراسان جنوبی مناسب است؟
۳. کتابخانه‌ها برای اشاعۀ دانش بومی روستاییان چه شیوه‌هایی را می‌توانند به‌کار گیرند؟
۴. چه افراد و سازمان‌هایی می‌توانند در اشاعۀ دانش بومی مستندشدۀ روستاییان نقش داشته باشند؟
۵. کتابخانه‌های روستایی برای مستندسازی، حفظ و اشاعۀ دانش بومی روستاییان به چه تغییراتی نیاز دارند؟
۶. کتابداران کتابخانه‌های روستایی برای مستندسازی، حفظ و اشاعۀ دانش بومی روستاییان به چه آموزش‌ها، تخصص‌ها و مهارت‌هایی نیاز دارند؟

پیشینه پژوهش

پاپ‌زن، حسینی، ازکیا و عمادی (۱۳۸۶) به‌منظور دستیابی به رهیافت ترویجی مناسب در منطقۀ بیلوار شهرستان کرمانشاه با استفاده از نظریۀ زمینه‌ای پژوهشی انجام دادند. نتایج نشان داد، توجه به مردم روستایی و دانش بومی آنان در برنامه‌های ترویجی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. قادری، جعفریان و رحیمی‌نیا

1. Nakata
2. Longton

(۱۳۹۰) در پژوهشی که به روش تاریخ شفاهی انجام شد دریافتند، برای بازتعریف طب بومی در دورهٔ معاصر، تلفیق طب بومی که در آن خرافات کم‌رنگ و تجربیات، به‌ویژه تجارب اثبات‌شده از نگاه علم پررنگ شده باشد، با طب معاصر ممکن است مفید باشد.

زمانی‌پور، محمدقلی‌نیا، غوث (۱۳۹۰) در پژوهشی به روش کیفی نشان دادند دانش بومی مردم ناحیهٔ هردنگ شهرستان خوسف در استان خراسان جنوبی را در پرورش دام‌هایی از قبیل بز، گوسفند و مرغ بسیار غنی بوده و می‌تواند عامل مهمی در افزایش تولید محصولات دامی استان به‌شمار آید. محمدقلی‌نیا، زمانی‌پور، غوث (۱۳۹۱) در پژوهشی به روش نظریه زمینه‌ای توصیه کردندکه برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران توسعهٔ روستایی باید به انطباق دانش بومی و دانش نوین این محصول همت کنند و از ترکیب این دو دانش در بهبود تولیدات درختچهٔ زرشک نهایت بهره را ببرند.در زمینهٔ شیوه‌های آموزش و ترویج دانش بومی معماری روستایی، گل‌محمدی (۱۳۹۱) پژوهشی انجام داد و در آن معماری سنتی‌روستایی و ابعاد گوناگون معماری سنتی را به‌طور اجمالی معرفی کرد. نتایج نشان داد، دانش بومی می‌توانست به حفظ فرهنگ بومی و محلی و ارزش‌های معماری سنتی منطقهٔ سیستان و بلوچستان کمک کرده و در جلب گردشگر کمک بسیاری کند.

مختاری اسکی، ارسطو و جهانشاهی (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای موردی مدل مدیریت دانش کارآمدی را بررسی کردند که برای بهبود نقش نظام آموزش کشاورزی مبتنی بر دانش در ایران توجه به دانش بومی کشاورزی ضروری بود.

کاپونی (۲۰۱۰) در پژوهش خویش که مطالعه‌ای اکتشافی دربارهٔ نگاه کتابخانه‌های رقومی به دانش بومی بود، برداشت اعضای جامعهٔ حرفه‌مندان اطلاع‌رسانی را در ایجاد، توسعه و استفاده از کتابخانه‌های رقومی با مواد دانش بومی بررسی کرد. روش این پژوهش در جمع‌آوری داده‌ها نظرسنجی کمی بود که به‌کمک طیف لیکرت انجام شد. در پایان تجزیه‌وتحلیلی کیفی از داده‌های به‌دست‌آمده در فرایند پژوهش ارائه و دستورالعملی برای ایجاد کتابخانه‌های رقومی دانش بومی پیشنهاد شد.

در موضوع نقش کتابخانه‌ها در اشاعه و مستندسازی اطلاعات کشاورزی، چیسیتا[1] (۲۰۱۱) نیز پژوهشی بر اساس مطالعهٔ موردی در زیمباوه انجام داد. در این پژوهش، افزون بر تأکید بر نقش کتابخانه، به نقش مهم تلویزیون و سایر رسانه‌ها، آموزش عالی و دانشگاه‌ها و نیز مدیران توسعهٔ کشاورزی و مراکز پژوهشی کشاورزی در اشاعهٔ دانش بومی اشاره شد. ماینا[2] (۲۰۱۲) در پژوهشی در موضوع نگهداری و مدیریت دانش بومی توسط کتابداران و اطلاع‌رسانان به اهمیت حفظ، نگهداری و ارتباط مستمر با دانش‌های بومی و فرهنگ‌های سنتی اشاره

1. Chisita
2. Maina

کرد. جامعهٔ پژوهش بومیان ایالات اونتاریو[1] کانادا بودند. از دیدگاه پاسخ‌گویان، ریش‌سفیدان و بزرگان بومی منطقه،کتابخانه‌ها امانتداران بالقوه و نگهبانان اصلی دانش بومی بودند. نتایج پژوهش نیز نشان داد که راه‌های نگهداری دانش بومی، همانند رده‌بندی، سازماندهی، اشاعه و رفع انواع چالش‌های دانشی، وظیفهٔ کتابداران و اطلاع‌رسانان بود. مانیوا و استیلول[2] (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان سه‌راه برای شناسایی نظام‌های دانش کشاورزی کشاورزان افریقایی به این‌نتیجه رسیدند که تلفیق دانش بومی و دانش برونی به کشاورزان در افزایش تولید و سود، کاهش هزینه‌های تولید، افزایش یادگیری، حفظ محیط‌زیست، مدیریت آفات، مدیریت بحران و اطمینان از امنیت غذایی کمک می‌کند. لیلی و پارینگتای (۲۰۱۳) در پژوهشی دربارهٔ پیاده‌سازی دانش بومیان جزایر شمالی نیوزلند موسوم به مائوری، تشریح کردند که حرفه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی و مدیریت اطلاعات برای حفظ موقعیت و جایگاه واقعی خویش، باید برنامه‌های آموزشی را با توجه به علائق و نیازهای مردم مائوری به‌منظور توجه‌به دانش بومی آنان تنظیم کنند. پیشینهٔ پژوهش نشان داد که کتابخانه‌ها می‌توانند نقش مهمی در مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ دانش بومی ایفا کنند و برای ایفای این نقش به شیوه‌نامه‌ای مدون نیاز دارند. این پژوهش به‌بررسی نقش کتابخانه‌های روستایی در مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ دانش بومی روستاییان خراسان جنوبی به روش نظریهٔ زمینه‌ای پرداخته و در پایان شیوه‌نامه‌ای به این منظور ارائه داده است.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از لحاظ روش‌شناسی از نوع کیفی و با روش نظریهٔ زمینه‌ای[3] انجام شد. روش کیفی برای کشف زمینه‌هایی مناسب است که دربارهٔ آن‌ها چیزی نمی‌دانیم یا می‌خواهیم به فهم تازه‌ای از آن‌ها دست یابیم (استراوس و کربین[4]، ۱۳۹۲). از این روش برای شناخت دانش بومی استفاده می‌شود. نظریهٔ زمینه‌ای، یکی از روش‌های پژوهش کیفی است. در این روش، برپایهٔ داده‌هایی که در فرایند پژوهش به‌صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند، نظریه‌ای شکل می‌گیرد که ممکن است در شناخت نیازمندی‌ها و تعیین اولویت‌های سیاست‌گذاری دانش بومی بسیار مهم و مؤثر به‌شمار آید (هزارجریبی و صفری‌شالی، ۱۳۹۰).جامعهٔ این پژوهش را سه‌دسته از افراد تشکیل می‌دهد: الف. روستاییان خبره، مجرب و مطلع در دانش سنتی در روستاهای برخوردار از کتابخانهٔ روستایی؛ ب. کتابداران هشت کتابخانهٔ وابسته به نهاد کتابخانه‌های عمومی خراسان جنوبی (در روستاهای کریت، اسفندیار، زیرک‌آباد، دشتغران و هودر در طبس، قلعه‌زری در خوسف، خوان‌شرف در نهبندان و بورنگ در بیرجند) و ج. مطلعان دانش بومی در خراسان جنوبی که در حین پژوهش اثری از ایشان در خصوص

1. Ontario
2. Munyua & Stilwel
3. Grounded Theory
۲. Strauss and Corbin

دانش بومی خراسان جنوبی یافت شد. نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی بر اساس روش‌های نمونه‌گیری احتمالاتی انجام نمی‌شود؛ بلکه بر مبنای ملاک‌های نمونه‌گیری نظری یا هدفمند صورت می‌گیرد (حریری، ۱۳۸۵). در نمونه‌گیری هدفمند، نمونه‌گیری به‌روش آسان شروع و به‌صورت گلوله‌برفی ادامه می‌یابد؛ اما سرانجام به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند درمی‌آید. به‌بیانی‌دیگر، پژوهشگر می‌کوشد تا باتوجه‌به این که چه نوع اطلاعات خاصی در پی یافته‌های اولیه نیاز است، به‌صورت هدفمند واحدهای نمونه را انتخاب کند (ادیب حاج‌باقری، پرویزی و صلصالی، ۱۳۸۹). روستاییان نمونهٔ این پژوهش (بیست‌مرد و دَه‌زن) به روش هدفمند از میان روستاییان خبرهٔ روستاهایی انتخاب شدند که کتابخانهٔ روستایی داشتند و با کتابخانهٔ روستایی و نقش آن آشنا بودند. افراد مصاحبه‌شونده به دو شیوه انتخاب شدند. نخست به‌بخش ترویج ادارهٔ کشاورزی شهرستان مربوط مراجعه شد تا کشاورزان و روستاییان موفق و خبره بر اساس اطلاعات آن‌ها شناسایی شوند. از این‌طریق برخی از افراد مطلع و خبره شناسایی شدند. در ادامه، به روستاها مراجعه و پس از صحبت با برخی از روستاییان از آنان خواسته شد تا خبرگان و با تجربه‌های روستا را معرفی کنند و انتخاب افراد خبرهٔ روستایی به‌شکل گلوله برفی ادامه یافت. به‌دلیل تعداد اندکِ کتابخانه‌ها، همهٔ کتابداران کتابخانه‌های بررسی‌شده (دومرد و شش‌زن) مطالعه شدند. مطلعان دانش بومی استان خراسان جنوبی نیز ابتدا به‌روش هدفمند نمونه‌گیری شدند. سپس نمونه‌گیری به روش گلوله برفی و با پرسش از هریک از آنان دربارهٔ افراد دیگری که اطلاعات مفیدی در این زمینه داشتند، شناسایی و انتخاب شدند. به‌این‌ترتیب، یک نفر دکترای زراعت و رییس سازمان جهاد کشاورزی استان شناسایی شد که در زمینه دانش بومی «عناب» کتاب داشت؛ یک نفر کارشناس ارشد زراعت و یک نفر دکترای زراعت شناسایی شد که چندین طرح در زمینهٔ دانش بومی در خراسان جنوبی به‌روش نظریهٔ زمینه‌ای انجام داد و یک نفر کارشناس ارشد تاریخ بود که در زمینهٔ تاریخ شفاهی طبس در استان خراسان جنوبی با کتابخانهٔ آستان قدس رضوی همکاری می‌نمود.

کرسول (۱۳۹۱) برای نیل به‌اعتبار یا روایی پژوهش کیفی هشت راهبرد را پیشنهاد می‌کند و تذکر می‌دهد که رعایت دست‌کم دو راهبرد در هر پژوهش کیفی اعتباری پذیرفتنی ایجاد می‌کند. روایی پژوهش حاضر با رعایت سه راهبرد او، به کمک بازخورد همتایان، توضیح مفصل و غنی و داوران بیرونی تأیید شد. تمام مصاحبه‌ها، به‌صورت فیلم و صوت ضبط گردید و پس از انجام مصاحبه، بارها شنیده و آوانگاری شد. پس از مصاحبه با سی‌نفر روستایی خبره داده‌ها به اشباع رسید. برای اطمینان از اشباع داده‌های حاصل، تعدادی نمونهٔ افتراقی نیز مصاحبه شد.کانون تحلیل در نظریهٔ زمینه‌ای، کدگذاری است. کدگذاری به پژوهشگر کمک می‌کند که همزمان منظم و خلاق باشد. کدگذاری شامل سه مرحلهٔ کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی است (استراوس و کربین،۱۳۹۲). کار با تحلیل یک مصاحبه آغاز شد تا ذهن پژوهشگر به روی انواع معانی، ویژگی‌ها و ابعاد مسئلهٔ پژوهش باز شود. پرسش نخستین، ابزار تحلیل بود. پرسشی که پژوهشگر از خویش

می‌پرسید، نه تنها به او کمک می‌کرد شرایط و اوضاع مسئله را درک کند، بلکه خلأهایی را به او نشان می‌داد که می‌توانست در مصاحبهٔ بعدی و ادامهٔ تحلیل، به‌فکر پُرکردن آن‌ها باشد. شیوهٔ مصاحبه در این پژوهش به‌روش نیمه‌ساختاریافته بود که در آن پرسش‌ها در قالب «راهنمای مصاحبه» گنجانیده شد. برای دستیابی به‌شیوهٔ درست مصاحبهٔ نیمه‌ساختاریافته و کسب اطلاعات دقیق از تمام نمونه‌ها به‌شیوه نیمه‌ساختاریافته پیش‌مصاحبه گرفته شد. تمامی پیش‌مصاحبه‌ها و مصاحبه‌ها با دوربین فیلم‌برداری، ضبط صوت و یادداشت‌برداری حین مصاحبه ضبط گردید. پس از انجام هر مصاحبه یک‌بار با دقت آوانگاری گردید و بعد از آن، چندین‌بار به‌منظور استخراج کدها بدون در نظرگرفتن لهجهٔ روستاییان یادداشت‌برداری شد. بعد از پرسش، دومین ابزار تحلیل، مقایسه بود. پژوهشگر با مقایسهٔ سیاههٔ واژه‌های به‌دست‌آمده، واژه یا عبارتی که مترادف و دربرگیرندهٔ معنای واژه‌ها و منظور عبارات بود، به‌عنوان برچسب اصلی برگزید و واژه‌ها و عبارات مترادف را زیر برچسب مربوطه قرار داد. این کدگذاری دقیقاً بعد از انجام هر پیش‌مصاحبه و مصاحبه به‌صورت جداگانه انجام گرفت و واژه‌ها و عبارات مترادف استخراج گردید. پس از اتمام مصاحبه‌ها دوباره از ابتدا همهٔ مصاحبه‌ها شنیده و یادداشت‌برداری گردید تا واژه‌ها و عبارات مترادف زیر برچسب مناسب قرار بگیرند. به‌این‌صورت، کدگذاری باز و کدگذاری محوری توأم انجام شد و در کدگذاری گزینشی پروتکل پیشنهادی به‌دست آمد. همان‌گونه که در جدول یک مشاهده می‌شود، در کدگذاری باز، مفاهیم و در کدگذاری محوری، مقوله‌های اصلی و فرعی استخراج گردید. کدگذاری گزینشی، فرایند یکپارچه‌سازی و پالایش نظریه است. در یکپارچه‌سازی، مقوله‌ها حول یک مفهوم عمده مرتب می‌شوند. یکپارچه‌سازی، به‌تدریج و از لحظهٔ آغاز تحلیل روی می‌دهد و تا آخرین مراحلِ نوشتهٔ نهایی ادامه می‌یابد. هنگامی‌که طرح نظری شکل گرفت، تحلیل‌گر آمادهٔ پالایش نظریه و تکمیل مقوله‌های ناپرورده و حذف اضافات است. سرانجام اعتبارسنجی نظریه با مقایسه آن با داده‌های خام یا با عرضهٔ آن به پاسخ‌گویان و دریافت نظر آنان انجام گرفت (استراوس و کربین، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر، مرحلهٔ کدگذاری گزینشی همان شیوه‌نامه‌ای است که از دل مقوله‌های اصلی و فرعی و مفاهیم، طی فرایند تحلیل به‌دست آمد. پژوهشگر پس از چیدن مقوله‌ها و مفاهیم در کنار یکدیگر، شیوه‌نامهٔ کوچکی برای مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ دانش بومی روستاییان خراسان جنوبی در کتابخانه‌های روستایی تنظیم نمود و پس از تدوین آن را به تأیید برخی شرکت‌کنندگان نیز رساند.

یافته‌ها

یافته های پژوهش حاضر پس از انجام دو سطح کدگذاری باز و محوری به۷ مقوله اصلی و ۲۶ مقوله فرعی و ۱۱۲ مفهوم تقسیم شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که در جدول یک قابل مشاهده است.

جدول ۱. مقوله‌های اصلی و فرعی و مفاهیم حاصل از دو مرحلهٔ کدگذاری باز و محوری و تحلیل یافته‌های پژوهش

مقولهٔ اصلی	مقولهٔ فرعی	مفاهیم
کتابدار کتابخانهٔ روستایی	تحصیلات	الهیات، حسابداری، مدیریت، مترجمی زبان انگلیسی، کتابداری و اطلاع‌رسانی
	تخصص‌ها و مهارت‌ها	آشنایی با روش پژوهش، مهارت‌های استفاده از رایانه، فیلم‌برداری و عکاسی، مهارت‌های ارتباطی، تخصص کتابداری و اطلاع‌رسانی، آشنایی با حوزه مورد مطالعه
	ویژگی‌ها	صبور، علاقه‌مند، باپشتکار، دارای برخورد محترمانه، مورد اعتماد روستاییان، مرد، دلسوز و بومی روستا باشد
	انتظارات	بیمه، افزایش حقوق، افزایش ساعت کاری، دادن نیروی کمکی، بها دادن سازمان مادر به موضوع، فرهنگ‌سازی، حمایت دولت، تفویض اختیار
	دلایل همکاری‌نکردن	بی‌حوصلگی، بی‌علاقگی، کمبود وقت، ترس از عدم توجه روستاییان، ترس از عدم توجه مافوق
کتابخانهٔ روستایی	دلایل فعال‌شدن در حوزهٔ دانش بومی	تنها مرکز دانش در برخی روستاهاست، محل تعامل روستاییان با یکدیگر است، محل نگهداری دانش است، برای کتابخانه سودمند است، در بیشتر روستاها وجود دارد، با هدف خدمت به روستاییان به وجود آمده است.
	امکانات ضروری	دوربین فیلم‌برداری، دستگاه ضبط صوت برای مصاحبه‌ها، لب‌تاب، وسیله نقلیه، فضای مجزا، وسایل کمک‌آموزشی، سایر امکانات
	تغییرات ضروری	تأمین کتاب‌ها و منابع لازم، اتصال به اینترنت، اتصال برخط به‌پایگاه اطلاعات، استخدام افراد متخصص، استخدام افراد علاقه‌مند، ایجاد انگیزه برای کارکنان
مستندسازی	ضرورت‌ها	جلوگیری از نابودی دانش بومی، حفظ دانش بومی برای آیندگان، کاربردی‌تربودن دانش بومی نسبت به دانش نوین
	شیوه‌ها	ایجاد جلسات بحث و گفت‌وگو بین جوانان روستا و خبرگان روستا، فیلم‌برداری در عرصه، پرسش‌وپاسخ کتابدار یا پژوهشگر از روستایی، مشاهده و یادداشت‌برداری، برگزاری کلاس‌های آموزشی با استفاده از استادانی که روستاییان خبره هستند.
	مستندساز	کتابداران متخصص، کتابداران غیرمتخصص، روستاییان علاقه‌مند، پژوهشگران علاقه‌مند، جوانان تحصیل‌کرده روستا
حفظ	منابع رقومی	وب‌سایت، لوح فشرده، نوارهای صوتی، فیلم
	منابع غیررقومی	کتاب، مجله، پلاکاردهایی حاوی جملات آموزنده، جزوه، پوستر، بروشور
اشاعه	روش طبیعی	انتقال دانش از پدران به پسران و از مادران به دخترهایشان (نسل‌به‌نسل و سینه‌به‌سینه)
	نمایشگاه	عرضهٔ محصولات و اشاعهٔ دانش
	ارسال به سایر نقاط	توزیع جزوات، کتاب‌ها و لوح‌های فشرده از طریق نهاد کتابخانه‌های عمومی
	رسانه‌ها	ارائهٔ مستندات در رسانه‌های مختلف
	آموزش	آموزش عملی به جوانان علاقه‌مند
	مجله	مجلات علمی‌پژوهشی‌ترویجی

مقولهٔ اصلی	مقولهٔ فرعی	مفاهیم
	صفحهٔ وب	وب‌سایت روستا
	اینترنت	استفاده در مقالات علمی و معتبر
	موبایل	فیلم و صوت کوتاه
	تلفیق	تلفیق دانش بومی و دانش رسمی
	نهادها	دانش هر حوزه به نهاد همان حوزه ارائه شود (در قسمت بعد بسط داده خواهد شد)
نهادها	کمک‌کننده	بسیج روستا، شورای روستا، آموزش و پرورش، جهاد کشاورزی
	اشاعه‌دهنده	نهاد کتابخانه‌های عمومی، مدیریت ترویج، مدیریت منابع طبیعی، مرکز تحقیقات کشاورزی، مرکز آموزش جهاد کشاورزی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، صداوسیما، دانشگاه‌ها دولتی و غیردولتی، دانشگاه علوم پزشکی، آموزش و پرورش، نهادهای مربوط‌به مسکن، میراث فرهنگی
	استفاده‌کننده	نهادهای پژوهشی، آموزشی، ترویجی، فرهنگی و اقتصادی

در پاسخ پرسش اول که به چه شیوه‌هایی می‌توان دانش بومی روستاییان را مستندکرد؟ تحلیل داده‌ها به تنظیم شیوه‌نامه‌ای کمک کرد که در پروتکل پیشنهادی به‌طور مفصل شرح داده شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد، مستندسازی لازم و ضروری است، به‌دلیل اینکه از نابودی دانش بومی روستاییان جلوگیری کرده و این دانش را برای آیندگان حفظ می‌کند. از طرفی، یافته‌های پژوهش نشان داد، کتابداران متخصص یا غیرمتخصص می‌توانند دانش بومی روستاییان را مستند کنند، به‌شرط آنکه دوره‌های آموزشی لازم را با کمک‌گرفتن از روستاییان علاقه‌مند و پژوهشگران داخل و خارج از روستا یا جوانان تحصیلکردهٔ روستا بگذرانند. یافته‌ها نیز حاکی از آن است که پس از شناسایی دانش بومی، حوزه‌ها و صاحبان این دانش، کتابدار یا هر فرد اقدام‌کننده به مستندسازی دانش بومی، باید این دانش را بیاموزد و به‌یادگیری و مطالعهٔ تخصص مربوطه بپردازد. این یادگیری با تعامل مستمر با متخصص موضوعی میسر است. یافته‌ها نشان داد، مشاهدهٔ دقیق و موشکافانه، حضور کافی و به‌موقع در عرصه بسیار چاره‌ساز است. مستندساز یا کتابدار کتابخانهٔ روستایی، با انجام مصاحبه‌های عمیق و پرسیدن پرسش‌های مناسب و دقیق به‌مستندسازی دانش بومی اقدام کرده و از تمام نکاتی که صاحبان دانش بومی ذکر کردند، یادداشت‌برداری می‌نماید. به گفتهٔ یکی از مطلعان، بهترین راه برای ماندگاری دانش بومی ثبت آن است. آنچه بسیاری از شرکت‌کنندگان به‌ویژه کتابداران بر آن تأکید داشتند، بازبینی مکتوبات بود تا چیزی از قلم نیفتد و همهٔ نکات مهم ذکر شود. عده‌ای بازبینی به‌کمک خبرهٔ روستایی برای رفع نکات مبهم را مطرح نمودند و برخی معتقد بودند، بازبینی باید به‌کمک متخصص موضوعی انجام گیرد تا از ورود برخی القائات و خرافات به‌مستندات دانش بومی جلوگیری شود. پس از بازبینی و بازخورد، ثبت دانش بومی در منابع رقومی و غیررقومی بااطمینان بیشتری انجام می‌شود. همچنین مستندسازی را می‌توان با برگزاری جلسات بحث و گفت‌وگو و تعامل بین خبرگان روستا با جوانان، کتابداران، پژوهشگران و متخصصان موضوعی انجام داد. به‌این‌صورت‌که

از تمام گفت‌وگوها یادادشت‌برداری، فیلم‌برداری و ضبط صدا انجام شود و در نهایت از میان صحبت‌ها نتیجهٔ نهایی مستند شود. به اعتقاد بسیاری از شرکت‌کنندگان، فیلم‌برداری در عرصه نیز بسیار مفید است؛ چراکه فیلم با کیفیت، گفت‌وگو و پرسش‌وپاسخ حین کار، مخاطب را ازطریق مشاهده‌ای غیرمستقیم آموزش می‌دهد. برای مستندسازی و اشاعهٔ دانش بومی، یکی از کتابداران پیشنهاد داد، فضای مجزایی در کتابخانهٔ روستایی با وسایل کمک‌آموزشی برای نمایش فیلم، مجهز گردد. همچنین کلاس‌هایی با مربیگری خبرگان روستا و حضور علاقه‌مندان برگزار گردد و در حین کلاس با فیلم‌برداری و یادداشت‌برداری صحبت‌های خبرگان روستا مستند شود.

در پاسخ به پرسش دوم، که کدام شیوه (رقومی، غیررقومی) برای حفظ دانش بومی روستاییان خراسان جنوبی مناسب است؟ به استفاده از هر دو شیوهٔ رقومی و چاپی به‌منظور حفظ دانش بومی تأکید شد؛ اما بیشتر مصاحبه‌شوندگان وجود منابع مکتوب را در کنار تمام شیوه‌ها لازم دانستند. از انواع منابع رقومی می‌توان به سایت‌ها، لوح‌فشرده، نوارهای صوتی و فیلم‌های ویدئویی اشاره کرد و از منابع غیررقومی کتاب، مجله، جزوه، بروشور، پوستر و پلاکارد برای حفظ دانش بومی مناسب تشخیص داده شد.درباره پرسش سوم که، کتابخانه‌ها برای اشاعهٔ دانش بومی روستاییان چه شیوه‌هایی را می‌توانند به‌کار گیرند؟یافته‌ها نشان داد قدیمی‌ترین و بهترین شیوهٔ اشاعهٔ دانش بومی روستاییان، اشاعه به‌کمک خود ایشان از نسلی‌به نسلی دیگر و سینه‌به‌سینه است. باوجوداین، در این زمینه کتابخانه‌ها می‌توانند، به‌مناسبت‌های مختلف، با برگزاری نمایشگاه‌ها در سطح شهرستان، استان یا حتی کشور، دانش بومی روستاییان را اشاعه دهند و به دیگران معرفی کنند. به اعتقاد یکی از کتابداران، برگزاری نمایشگاه هم برای روستاییان سودمند است و هم برای کتابخانه. به این‌دلیل‌که روستاییان افزون‌بر معرفی و اشاعهٔ دانش خویش می‌توانند برخی از صنایع دستی روستا یا برخی محصولات تولیدشدهٔ خود به شیوهٔ سنتی و سالم را به‌فروش برسانند مانند محصولات دارویی، کشاورزی و باغی. این‌گونه آنها می‌توانند روستای خویش را به بازدیدکنندگان معرفی کرده و آنان را برای بازدید به روستای خویش جذب کنند و از مزایای اقتصادی آن بهره‌مند شوند. بااین‌حال، کتابخانهٔ روستایی به‌دلیل معرفی اهداف و فعالیت‌ها و برنامه‌ها به‌سایرین مفید است و باعث عضوگیری بیشتر می‌شود. به‌نظر شرکت‌کنندگان، رسانه‌ها مانند رادیو و تلویزیون نقش مؤثری در اشاعهٔ دانش بومی روستاییان دارند. کتابخانه‌های روستایی می‌توانند پس از تهیهٔ مستندات، آن‌ها را به رسانه‌های جمعی عرضه کنند و حتی از این راه به سود مادی یا معنوی برسند. رسانه‌های مختلف نیز با انتشار و پخش مستندات، دانش بومی روستاییان را اشاعه کنند. به اعتقاد برخی از شرکت‌کنندگان، آموزش عملی دانش بومی روستاییان به جوانان و علاقه‌مندان، این دانش را برسنگ نقش می‌کند. به‌این‌معناکه هرگز از ذهن جوانان پاک نشده و به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. انتشار این دانش با چاپ در مجلات یا گذاشتن در وب نیز به اشاعهٔ این دانش کمک

می‌کند. اینترنت و موبایل نیز کمک بزرگی به اشاعهٔ دانش بومی روستاییان می‌کند. یکی از کتابداران نیز پیشنهاد داد، برای تبلیغ بیشتر، توصیه‌های خبرگان در جملات کوچکی نوشته شود و به‌صورت پلاکارد در مکان‌های خاصی چون کتابخانه، مراکز کشاورزی، مرکز بهداشت و مانند آن نصب شود.این درحالی است که به گفتهٔ یکی از مطلعان دانش بومی در سطح استان، تلفیق دانش بومی با دانش نوین یکی از بهترین شیوه‌های اشاعهٔ دانش بومی روستاییان است؛ چون با تلفیق این دو دانش نقاط ضعف و قوت هریک مشخص شده و می‌توانند مکمل یکدیگر در نظر گرفته شوند.

پاسخ پرسش چهارم چه افراد و سازمان‌هایی می‌توانند در اشاعهٔ دانش بومی مستندشدهٔ روستاییان نقش داشته باشند؟ نشان داد افرادی که در درجهٔ اول می‌توانند به اشاعهٔ دانش بومی روستاییان کمک کنند، خود ایشان هستند. همان‌گونه که روستاییان دانش بومی اجدادایشان را از نسل‌های گذشته و از والدین و بزرگان خویش فراگرفته‌اند، باید این امانت را به نسل‌های بعد و جوانان روستا تحویل دهند. به‌قول یکی از ایشان «مردم باید گنج سینه‌هاشان را اشاعه کنند.» هریک از سازمان‌های دولتی و غیردولتی استان هر یک می‌توانند تا حدی به حفظ و اشاعه دانش بومی روستاییان کمک کنند: «نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور» با سروسامان‌دادن به کتابخانه‌های روستایی و ایجاد ارتباط بین آن‌ها؛ «ادارهٔ ترویج» با ترویج دانش بومی روستاییان در میان سایر بهره‌برداران و روستاییان؛ «مدیریت منابع طبیعی» با کمک‌گرفتن از دانش روستاییان در حفظ منابع طبیعی و اشاعهٔ شیوهٔ روستاییان برای حفظ منابع طبیعی به سایر نقاط؛ «مرکز تحقیقات کشاورزی» با تشویق پژوهشگران برای انجام پژوهش دربارهٔ دانش بومی در روستاهای مختلف استان؛ «مرکز آموزش جهاد کشاورزی استان» با برگزاری کلاس‌های آموزشی به مربیگری روستاییان خبره؛ «کانون پرورش فکری کودکان‌ونوجوانان» با بازنویسی داستان‌های کهن، افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، لالایی‌ها و ساخت عروسک‌های بومی با لباس‌های محلی؛ «صداوسیما» با پخش مستندهای دانش بومی روستاییان استان؛ «دانشگاه علوم پزشکی» با تشویق دانشجویان و پژوهشگران به انجام پژوهش دربارهٔ طب سنتی، گیاهان دارویی، مامایی سنتی و مانند آن؛ «دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی» با ترویج استفاده از دانش بومی روستاییان در میان پژوهشگران و دانشجویان حوزهٔ کشاورزی و باغبانی، تاریخ، ادبیات و مانند آن؛ «آموزش و پرورش» با سروسامان‌دادن به مدارس روستا و تشویق دانش‌آموزان به آموختن و حفظ دانش بومی بزرگان خویش؛ «میراث فرهنگی» با حفظ آثار باستانی روستا و صنایع دستی روستا و برگزاری نمایشگاه‌ها.

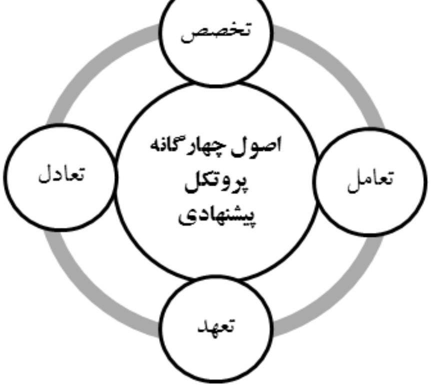
در پاسخ به پرسش پنجم کتابخانه‌های روستایی برای مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ دانش بومی روستاییان به چه تغییراتی نیاز دارند؟ مشاهده شد، کتابخانه‌های روستایی مکان مناسبی برای حفظ دانش بومی روستاییان هستند؛ چون این سازمان یگانه مرکز دانش در برخی روستاها و محل نگهداری دانش و تعامل روستاییان با

یکدیگر بوده و در بیشتر روستاها، به‌صورت کتابخانهٔ وابسته به مجموعهٔ فرهنگی مسجد حضور دارند. باوجوداین، به گفتهٔ یکی از مطلعان دانش بومی، این امر مستلزم آن است که کتابخانه‌های روستایی از وضعیت کنونی خارج شوند. کارکنان این کتابخانه‌ها باید کتابدارانی متخصص، متعهد و با انگیزه باشند. یکی دیگر از مطلعین دانش بومی، آموزش کتابداران کتابخانه‌های روستایی و تعریف دوبارهٔ شرح وظایف آنان را ضروری دانست. پیش‌نیاز تغییرات کتابخانه‌های روستایی تغییر کتابداران کتابخانه‌های روستایی است. یافته‌ها نشان داد، کتابدار کتابخانهٔ روستایی باید صبور، علاقه‌مند، متعهد و معتمد باشد و برخوردی محترمانه، بدون سوگیری و عاشقانه برای مستندسازی، حفظ و اشاع دانش بومی تلاش کند. بسیاری از شرکت‌کنندگان بومی‌بودن کتابدار کتابخانهٔ روستایی را به‌دلایلی چون حس تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتر و آشنایی با لهجهٔ روستاییان را یکی از مهمترین گزینه‌ها بیان کردند. توجه‌به مقولهٔ فرعی انتظارات، زیرمجموعهٔ مقولهٔ اصلی کتابداران در جدول ۱، اهمیت توجه‌به انگیزهٔ کتابداران و تأثیر این امر در موفقیت کتابخانه‌های روستایی را نشان می‌دهد. به گفتهٔ یکی از مطلعان دانش بومی «تا انگیزه نباشد، هیچ‌چیز ممکن نیست.» باتوجه‌به نیاز مردم روستا در کتابخانه‌های روستایی، لازم است، افزون‌بر تأمین کتاب‌ها و منابع، این کتابخانه‌ها از طریق وب به شبکه‌های جهانی اطلاعات متصل شوند. به اعتقاد شرکت‌کنندگان، باید تعامل مستمر و مؤثری بین کتابخانه‌های روستایی با نهادها و سازمان‌هایی برقرار گردد که پیشتر به آن‌ها اشاره شد. ازسوی‌دیگر، باید کتابداران کتابخانه‌های روستایی با روستاییان و متخصصان موضوعی و سایر کتابداران نیز ارتباط مؤثر داشته باشند. کتابخانه‌های روستایی لازم است، به‌منظور مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ دانش بومی روستاییان و با توجه به شیوه‌هایی منتخب، امکانات و تجهیزات خاص مانند دوربین فیلم‌برداری و عکاسی، ضبط صوت، امکانات‌وتجهیزات حمل‌کردنی و وسیلهٔ نقلیه برای تردد به مزرعه را فراهم کنند.

در پاسخ به پرسش ششم، کتابداران کتابخانه‌های روستایی برای مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ دانش بومی روستاییان به چه آموزش‌ها، تخصص‌ها و مهارت‌هایی نیاز دارند؟ یافته‌ها نشان داد، کتابداران کتابخانه‌های روستایی بهتر است، تخصص کتابداری و اطلاع‌رسانی داشته باشند، از مهارت‌های کلامی کافی برای ارتباط با روستاییان برخوردار باشند، تاحدی با روش‌های پژوهش آشنا باشند و مهارت‌های هفت‌گانهٔ رایانه را فراگرفته باشند. همچنین کتابداران، باتوجه‌به حوزه‌های وسیع دانش بومی، اطلاعات اندکی دربارهٔ موضوع دانش بومی در روستا به‌دست آورند که می‌تواند جمع‌آوری گردد یا اینکه تلاش کنند، با یک متخصص موضوعی به‌طور مستمر ارتباط داشته باشند. فراگیری آموزش‌های تخصصی مستندسازی، فیلم‌برداری، عکاسی، روش پژوهش و شیوهٔ ارتباط با مردم روستا نیز برای چنین کتابدارانی ضروری است.

شیوه‌نامه پیشنهادی

پس از انجام کدگذاری اختیاری و ایجاد ارتباط بین مفاهیم و مقوله‌های به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های پژوهش و مقایسه و مطالعهٔ منابع و پژوهش‌های پیشین، شیوه‌نامه‌ای به‌شرح زیر ارائه شد. این شیوه‌نامه بر چهار اصل اساسی استوار است. اصول چهارگانه آن‌هایی بودند که طبق نظر پاسخ‌گویان و با اذعان ایشان، بدون هریک از آن اصول، مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ دانش بومی روستاییان خراسان جنوبی در کتابخانه‌های روستایی با دشواری روبه‌رو می‌شد. مفاهیم مستخرج از صحبت‌های پاسخ‌گویان زیر هریک از اصول، ذکرشده است. این اصول صحبت‌هایی است که هریک از مصاحبه‌شوندگان درخلال گفت‌وگو از آن‌ها به‌عنوان پیش‌فرض اقدام به مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ دانش بومی یاد می‌کردند. در ادامه، ابتدا اصول چهارگانه و سپس ده مرحلهٔ شیوه‌نامه بیان می‌شود. در شکل ۱ اصول چهارگانه شیوه‌نامه نشان داده شده است.



شکل ۱. اصول چهارگانهٔ شیوه‌نامه پیشنهادی مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ دانش بومی روستاییان در کتابخانه‌های روستایی

برپایهٔ شکل ۱، اصول چهارگانهٔ شیوه‌نامه تخصص، تعهد، تعامل و تعادل تعیین شد. همان‌طور که پیشتر گفته شد، مفاهیمی به‌دست‌آمده از صحبت‌های پاسخ‌گویان دربارهٔ اصل تخصص چنین است: استخدام نیروی متخصص کتابداری و اطلاع‌رسانی برای کتابخانه‌های روستایی؛ کسب اطلاعات تخصصی در زمینهٔ موضوعی مدنظر به‌کمک کتابداران کتابخانه‌های روستایی؛ برگزاری دوره‌های آموزشی ضمن خدمت، چه در زمینهٔ شیوه‌های مستندسازی و چه در زمینهٔ موضوعی دانش‌های بومی موجود در هر روستا برای کتابدارن کتابخانه‌های روستایی. مفاهیم استخراج‌شده از گفته‌های پاسخ‌گویان دربارهٔ اصل تعهد: استخدام نیروی متعهد و علاقه‌مند؛ انتخاب کتابدارن بومی؛ اختیاردادن به کتابدارن کتابخانه‌های روستایی؛ استفاده از رویکرد پایین‌به بالا جهت

افزایش حس مسئولیت‌پذیری آنان؛ انگیزه‌دادن به کتابداران. مفاهیم حاصل از صحبت‌های پاسخ‌گویان دربارهٔ اصل تعامل چنین است: تعامل نهاد کتابخانه‌های عمومی استان‌ها با یکدیگر؛ تعامل نهاد کتابخانه‌های عمومی استان‌ها با یکدیگر؛ تعامل نهاد کتابخانه‌های عم عمومی استان با سایر سازمان‌ها، نهادها و اداره‌های استان؛ تعامل کتابخانه‌های روستایی در سطح یک استان با یکدیگر؛ تعامل کتابخانه‌های روستایی با روستاییان؛ تعامل کتابداران کتابخانه‌های روستایی با متخصصان موضوعی؛ تعامل کتابداران کتابخانه‌های روستایی با متخصصان موضوعی؛ تعامل متخصصان موضوعی با روستاییان؛ تعامل روستاییان با یکدیگر. دربارهٔ اصل تعامل پاسخ‌گویان چنین دیدگاهی داشتند: پرهیز از سوگیری مثبت یا منفی کتابداران دربارهٔ دانش بومی روستاییان؛ توجه به همهٔ زمینه‌های دانش بومی روستاییان؛ توجه به دانش بومی روستاییان سنین مختلف؛ توجه مساوی یا متعادل به دانش بومی زنان و مردان روستا؛ توجه به دانش بومی تمام اقشار غنی یا فقیر روستا؛ توجه به دانش بومی تمام مردم روستا با هر سطح سوادی که دارند. شرح کامل این اصول در شکل ۲ آمده است.



شکل ۲: شرح اصول چهارگانه شیوه‌نامه پیشنهادی مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ دانش بومی روستاییان در کتابخانه‌های روستایی

برپایهٔ اصولی که مطرح شد، شیوه‌نامهٔ مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ دانش بومی روستاییان خراسان جنوبی شکل گرفت: ۱. شناسایی: شناسایی زمینه‌های دانش بومی؛ شناسایی صاحبان دانش بومی؛ شناسایی ویژگی‌های اخلاقی و خصوصیات فردی روستاییانی که مطالعه روی آنها انجام شد؛ شناسایی نیازها و اولویت‌ها؛ شناسایی جوانان علاقه‌مندی که می‌توانند به کتابدار کمک کنند؛ ۲. انتخاب: انتخاب موضوع؛ انتخاب روش مناسب باتوجه‌به موضوع؛ انتخاب افراد مناسب؛ ۳. یادگیری: یادگیری تخصصی و علمی موضوع مطالعه‌شده؛ یادگیری دانش بومی و دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ موضوع مطالعه‌شده؛ یادگیری ملزومات و شیوهٔ مستندسازی مدنظر مانند فیلمبرداری؛ یادگیری شیوهٔ مصاحبه و پرسش و ارتباط با روستایی صاحب دانش بومی مطالعه‌شده؛ ۴. ارتباط:

ارتباط با متخصص موضوعی بی‌طرف؛ ارتباط با صاحبان دانش بومی در حوزهٔ مطالعه‌شده؛ ارتباط با مافوق جهت اطلاع و انجام اقدامات لازم؛ ۵. اقدام: مشاهدهٔ دقیق و موشکافانهٔ محیط؛ انجام مصاحبه‌های عمیق؛ ۶. پیاده‌سازی: مکتوب‌کردن در جزوهٔ دست‌نویس؛ مکتوب‌کردن به‌صورت فایل رایانه‌ای؛ مکتوب‌کردن روی لوح فشرده؛ ۷. بازبینی: بازبینی مکتوبات به‌دست‌آمده به‌کمک متخصص موضوعی بی‌طرف و مشخص‌کردن نکات مبهم؛ بازبینی مکتوبات به‌دست‌آمده بهم کمک صاحبان دانش بومی؛ بازبینی و رفع ابهام؛ ۸. ثبت: ثبت مستندات به‌دست‌آمده در حداقل یک مادهٔ غیررقومی؛ ثبت مستندات به‌دست‌آمده در سایت کتابخانهٔ روستایی؛ ۹. سازماندهی: فهرست‌نویسی، رده‌بندی، نمایه‌سازی و چکیده‌نویسی مستندات؛ ثبت در پایگاه‌های اطلاعاتی مدنظر؛ آماده‌سازی مستندات برای استفادهٔ مراجعان حقیقی، حقوقی و مجازی؛ ۱۰. دسترسی: فراهم‌کردن امکان دسترسی در پایگاه‌های تمام‌متن یا پایگاه‌های کتاب‌شناختی؛ فراهم‌آوردن امکان دسترسی به مستندات برای کسانی که باتوجه‌به سیاست‌های نهاد کتابخانه‌های عمومی استان، به آن‌ها نیاز دارند. ده مرحلهٔ شیوه‌نامه در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل۳. مراحل ده‌گانه شیوه‌نامه مستندسازی، حفظ و اشاعه دانش بومی روستاییان در کتابخانه‌های روستایی

بحث و نتیجه‌گیری

مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ هریک از موضوعات دانش بومی، حتی به‌صورت خیلی خاص، پژوهشی بزرگ و مهم است که باید بارعایت تمامی اصول پژوهشگری انجام شود. ازاین‌رو، کتابداران کتابخانهٔ روستایی را که به مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ دانش بومی روستاییان می‌پردازند را می‌توان، به‌عنوان پژوهشگر دانش بومی قلمداد کرد کاپونی[۱] (۲۰۱۰) چیستا (۲۰۱۱) ماینا (۲۰۱۲) سرن‌کوویچ[۲] (۲۰۱۲) لیلی و پارینگاتی[۳] (۲۰۱۳) در پژوهش‌های خویش بیان کردند که مدیران دانش، کتابداران و اطلاع‌رسانان مرتبط با دانش بومی لازم است دانش فنی و تخصصی خویش را افزایش دهند. تحلیل داده‌ها و مطالعهٔ پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد، کتابداران کتابخانه‌های روستایی، به‌منظور برعهده‌گرفتن وظیفهٔ حفظ دانش بومی روستا، به‌نظر می‌رسد، باید در این زمینه آموزش ببینند. باوجوداین، پیش از آموزش، به انگیزه، علاقه و تعهد نیاز دارند. بنابراین مدیران نهاد کتابخانه‌های عمومی، افزون‌بر فراهم‌کردن زمینه‌های آموزشی ذکرشده باید به انتظارات ایشان توجه کنند مانند

1. Capponi
4. Crnkovic
5. Lilley and Paringatai

افزایش ساعت کاری، افزایش حقوق، بیمه و... . همچنین پیش از استخدام کتابداران کتابخانه‌های روستایی، به‌ویژگی‌های فردی مستخدمین چون علاقه، انگیزه، صبر و پشتکار نیز توجه داشته باشند.

نتایج پژوهش حاضر، از لحاظ مستندسازی با انجام مشاهدۀ دقیق، مصاحبۀ عمیق، فیلم‌برداری، عکاسی و همچنین بازبینی و ارتباط با متخصص موضوعی، با پژوهشِ دهقانی و تفتی (۱۳۸۴) مطابقت داشت. عمادی (۱۳۸۳) نیز به ضرورت بازخورد، بازبینی، تعامل و ارتباط مستمر با کارشناسان و متخصصان موضوعی اشاره کرد و از این لحاظ با نتایج پژوهش حاضر مطابقت داشت. عمادی (۱۳۸۳)، کاپونی (۲۰۱۰) و سرن‌کوویچ (۲۰۱۲)، در پژوهش‌های خویش، به‌حفظ دانش بومی به‌شیوه‌های رقومی تأکید داشتند. چیسیتا (۲۰۱۱) به‌حفظ تعادل بین مواد شفاهی، چاپی و الکترونیکی معتقد بود. در پژوهش حاضر نیز مصاحبه‌شوندگان به‌حفظ دانش بومی به‌شکل کتاب و به‌صورت چاپی تأکید کردند. از طرفی، چون مستندات دانش بومی روستاییان قرار است، زمینۀ پژوهش‌های دانش بومی را در میان پژوهشگران و کارشناسان فراهم کند، حفظ دانش بومی در قالب‌های جدید و رقومی نیز ضروری به نظر رسید.

عمادی (۱۳۸۳) به اشاعۀ دانش بومی روستاییان به‌وسیله مجلات و قراردادن مستندات در بانک اطلاعات رقومی اشاره کرد. همچنین کاپونی (۲۰۱۰) به‌نقش کتابخانه‌های رقومی در اشاعۀ دانش بومی توجه کرد. چیسیتا (۲۰۱۱) برای اشاعۀ دانش بومی، به‌کتابخانه‌ها پیشنهاد داد که دانش بومی را از طریق رسانه‌های عمومی اشاعه دهند. او همچنین به‌لزوم همکاری با سازمان‌ها و نهادهایی چون دانشگاه‌ها، آموزشگاه‌ها و ادارات کشاورزی اشاره کرد. مانیوا و استیلول (۲۰۱۳)، مختاری اسکی و همکاران (۲۰۰۵)، محمدقلی‌نیا و همکاران (۱۳۹۱)، زمانی‌پور و همکاران (۱۳۹۰)، قادری و همکاران (۱۳۹۰)، پاپ‌زن و همکاران (۱۳۸۶) به تلفیق دانش بومی و دانش نوین به عنوان راهکاری مؤثر در اشاعۀ دانش بومی توجه ویژه داشتند. از این‌لحاظ، نتایج پژوهش حاضر، با نتایج آنان مطابق است. مقایسۀ نتایج پژوهش حاضر با پژوهش پیشین نشان می‌دهد که کتابخانه‌ها باید به‌تلفیق دانش بومی و دانش نوین توجهی ویژه داشته باشند. این امر، به‌لزوم ارتباط و تعامل مستمر کتابداران با متخصصان موضوعی اشاره دارد. لازمۀ تلفیق دانش بومی و دانش نوین، انجام پژوهش‌های بسیار در هریک از حوزه‌های دانش بومی است. پس کتابداران باید دانش بومی را پس از مستندکردن و آماده‌سازی به دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی ارائه دهند تا به‌صورت علمی ضعف‌ها و قوت‌های این دانش بررسی شود.

نکتۀ مهم، ارائۀ دانش به‌مراکز پژوهشی و باتوجه‌به سیاست‌های خاص دسترسی به اطلاعات است که در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور تعریف شده است. چنین رویکردی می‌تواند برای این نهاد سود مادی یا معنوی داشته باشد و از این‌راه بتوان برخی انتظارات کتابداران و روستاییان را به‌منظور مستندسازی بهتر اطلاعات و دانش بومی روستاییان برآورده ساخت. ضرورت ندارد که سود و بهره فقط به‌صورت مادی باشد؛ بلکه می‌توان از

دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی خواست تا ارتباط مستمر متخصصان موضوعی را با کتابداران کتابخانه‌های روستایی ممکن سازند. رویکرد دیگر می‌تواند فراهم‌کردن امکاناتی چون تجهیزات برداشت محصول، آبیاری تحت فشار و سایر امکانات لازم روستا برای کشاورزان خبره‌ای باشد که از دانش بومی آنها استفاده شده است.

اشاعهٔ دانش بومی امری است که به‌تنهایی امکان‌پذیر نیست، حمایت و همکاری سایر نهادها و سازمان‌ها را می‌طلبد. پاپ‌زن و همکاران (۱۳۸۶) به نقش ادارات ترویج و کارکنان و مروجان در توسعهٔ دانش بومی روستاییان اشاره کردند. به اعتقاد قادری و همکاران (۱۳۹۰) تلفیق طب بومی با طب معاصر مفید به‌نظر می‌رسید. در پژوهش آنان بر نقش دانشگاه علوم پزشکی در اشاعهٔ دانش بومی تأکید شد. نتایج پژوهش گل‌محمدی (۱۳۹۱) نشان داد، دانش بومی موجود در معماری مناطق کویری ایران به‌ویژه بیابان‌های خشک و کویری منطقهٔ سیستان و بلوچستان می‌توانست راهگشای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعهٔ روستایی ایران باشد. این نکته، با نتیجهٔ حاصل از این پژوهش همخوانی دارد که به میراث فرهنگی و بنیاد مسکن به‌عنوان اشاعه‌دهندگان دانش بومی اشاره داشت. محمدقلی‌نیا، و همکاران (۱۳۹۱) با تأکید بر تلفیق دانش بومی و دانش نوین به نقش سازمان‌های پژوهشی و انجام پژوهش دربارهٔ دانش بومی برای اشاع آن اشاره کردند که خود حاکی از نقش مرکز تحقیقات کشاورزی و مرکز آموزش جهاد کشاورزی در این‌باره بود. مختاری اسکی و همکاران (۲۰۰۵) در مدل مدیریت دانش کارآمد به‌نقش‌هایی اشاره کردند که با نتایج پژوهش حاضر همخوانی داشت: نقش خانوادهٔ کشاورز؛ نقش مرکز آموزش جهاد کشاورزی؛ نقش مؤسسهٔ آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی؛ نقش دبیرستان‌های کشاورزی؛ نقش وزارت جهاد کشاورزی؛ نقش سازمان‌های غیردولتی و مراکز دانشی مانند کتابخانه. کاپونی (۲۰۱۰)، چیسیتا (۲۰۱۱)، ماینا (۲۰۱۲)، سرن‌کوویچ (۲۰۱۲)، لیلی و پارینگاتی (۲۰۱۳) همگی به نقش انواع کتابخانه‌ها و مؤسسات اطلاع‌رسانی و مدیریت دانش در حفظ و در نتیجه اشاعهٔ دانش بومی اشاره کردند. چیسیتا (۲۰۱۱) همچنین به‌نقش رادیو و تلویزیون، آموزش‌وپرورش، کتابخانه‌های سیار، مدیران و کارشناسان کشاورزی، کارکنان ترویج کشاورزی، کتابخانه‌های رقومی، کتابخانه‌های دانشگاهی، کتابخانه‌های تخصصی در اشاعهٔ دانش بومی اشاره کرد که با نتایج حاصل از پژوهش حاضر تطابق دارد. آنچه از تحلیل یافته‌های پژوهش و مقایسهٔ آن با پژوهش‌های پیشین می‌توان فهمید، این است که دانش بومی باتوجه‌به گسترهٔ وسیع حوزه‌های دانش بومی و حجم گستردهٔ این دانش در هر حوزه، به‌بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی مربوط می‌شود. این مسئله حفظ دانش بومی را دشوار کرده است. کارهای انجام شده در بعضی از سازمان‌ها و نهادها نشان می‌دهد که آن‌ها از ارتباط اهداف سازمانی خویش با برخی از حوزه‌های دانش بومی باخبر هستند. گاهی شاید برای حفظ و استفاده از این دانش‌ها گام‌هایی نیز برداشته‌اند؛ اما در پیچ‌وتاب تشریفات ادارای، سردرگم شده‌اند.

واضح و روشن است که تعامل مؤثر و مستمر نهاد کتابخانه‌های عمومی با سازمان‌ها و نهادهای پیش‌گفته و همچنین تعامل این سازمان‌ها با یکدیگر می‌تواند دانش بومی را به‌نحو مؤثری اشاعه دهد. از این‌رو، ضروری است که آموزش کتابداران آموزش ببینند و انتظارات آنان برآورده شود، متخصصان به‌کارگرفته شوند، امکانات و تجهیزات لازم فراهم شود، تعامل مؤثر کتابخانه‌های روستایی با روستاییان، متخصصان، نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط برقرار شود. افزون‌براین، تازمانی‌که نهاد کتابخانه‌های عمومی، وظایف کتابداران کتابخانه‌های روستایی را به‌منظور مستندسازی، حفظ و اشاعهٔ دانش بومی روستاییان بازبینی و بازتعریف نکند، امکان انجام اقدامی با هدف ذکرشده، در کتابخانه‌های روستایی وجود ندارد.

در انتها پیشنهاد می‌شود شیوه‌نامهٔ به‌دست‌آمده به‌کمک نهاد کتابخانه‌های عمومی به‌اجرا درآید تا الگویی مشخص برای مستندسازی دانش بومی برای همگان دردسترس باشد. دراین‌راستا، پیشنهاد می‌شود تا کتابداران، اطلاع‌رسانان و متخصصان علم اطلاعات و دانش‌شناسی، نقش بالقوه و بالفعل خویش را در مستندسازی انواع دیگر تجارب مانند تجارب مدیران و مانند آن نشان دهند. مؤسسات مؤثر و دخیل در مستندسازی دانش بومی به وظایف خود در این‌حوزه و نیز همکاری خود با سازمان‌ها و نهادهای دیگر برای حفظ این دانش به‌طور جدی عمل و اقدام کنند تا در آینده، به وضعیت مناسبی در این‌حوزه دست یابیم.

منابع

ادیب‌حاج‌باقری، محسن، پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق کیفی. تهران: نشر و تبلیغ بشری.

استراوس، انسلم، کوربین، جولیت. (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای (ابراهیم افشار، مترجم). تهران: نشر نی.

امیری اردکانی، محمد و شاه ولی، منصور. (۱۳۸۲). مبانی، مفاهیم و مطالعات دانش بومی کشاورزی. تهران: وزارت جهاد کشاورزی.

پاپ‌زن، عبدالحمید، حسینی، سید محمود، ازکیا، مصطفی و عمادی، محمدحسین. (۱۳۸۶). تدوین مدل مفهومی حاصل از تلفیق دانش بومی و رسمی با استفاده از نظریه بنیانی به‌منظور دستیابی به رهیافت ترویجی مناسب مطالعهٔ موردی منطقهٔ بیلوار شهرستان کرمانشاه. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه (ویژه سیاست‌های کشاورزی)، ۱۵(۵۸)، ۱۵۱–۱۷۶.

حریری، نجلا. (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

دهقانی‌تفتی، محمدعلی. (۱۳۸۴). طرح جمع‌آوری و ثبت دانش بومی بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان تفت (قسمت آب و خاک). طرح پژوهشی. مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان یزد، گروه تحقیقات و توسعه روستایی.

زمانی‌پور، اسدالله، محمدقلی‌نیا، جواد و غوث، کمال. (۱۳۹۰). کاربرد دانش بومی در تولید محصولات دامی مطالعه موردی: ناحیه هردنگ. فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، (۲۳)،۷۴-۹۷.

کرسول، جان. (۱۳۹۱). پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی، نظریه داده بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی). ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. تهران: صفار؛ اشراقی.

گل‌محمدی، فرهود. (۱۳۹۰). بررسی شیوه‌های آموزش و ترویج دانش بومی معماری روستایی (نمونه موردی استان سیستان و بلوچستان). فصلنامه مسکن و محیط روستا. ۱۳۶، ۷۹-۹۴.

عمادی، محمدحسین. (۱۳۸۳). شناخت، جمع‌آوری، دسته‌بندی و معرفی دانش بومی روستاییان و عشایر کشور جهت استفاده در پروژه‌های توسعه‌ای در قالب یک بانک اطلاعات کامپیوتری.طرح پژوهشی. مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد کشاورزی.

قادری، طاهره، جعفریان، علی‌اکبر و رحیمی‌نیا، نفیسه. (۱۳۹۰). چگونگی باز تعریف طب بومی در دوره مدرن مطالعه موردی: عقاید و باورهای مربوط به باروری و ناباروری در شهرستان اردستان. فصلنامه دانش بومی، ۲، ۱۶۶-۲۰۱.

محمدقلی‌نیا، جواد، زمانی‌پور، اسدا... و غوث،کمال. (۱۳۹۱) شناسایی دانش بومی موجود در بین باغداران تولید کننده زرشک در خراسان جنوبی با بهره‌گیری از نظریه بنیانی. فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان. ۲۳، ۱۴۴- ۱۱۶.

هزارجریبی، جعفر و صفری‌شالی، رضا. (۱۳۹۰). کاربست نظریه بنیانی در شناخت دانش بومی، فصلنامه دانش بومی، ۱، ۱۹-۶۸.

Capponi, D. (2010). Perceptions of digital libraries with indigenous knowledge: An exploratory study (Master's Thesis). University of Tennessee. Retrieved Jul.1, 2014 from http:/trace.tennessee.edu/utk-gradthes/610

Chisita, C. (2011). Role of libraries in promoting the dissemination and documentation of indigenous agricultural information: Case study of Zimbabwe. IFLA WLIC. San Juan, Puerto Rico: 10-11 Aug. 2011. Retrieved feb. 19, 2014 from http://conference.ifla.org/ifla77

Crnkovic, V. (2012). Agricultural Rural libraries in Serbia in the era of information technology. IFLA WLIC. Finland, Helsinki: 11-17 Aug. Retrieved feb. 19, 2014 from http://conference.ifla.org/ifla78

Kargbo, J. (2005). Managing indigenous knowledge: What role for public libraries in Sierra leone? The International Information & Library Review, 37, 199-207. doi:10.1016/j.iilr.2005.08.002

Lilley, S., Paringatai, T. (2013). Kia whai taki: Implementing indigenous knowledge in the aotearoa New Zealand library and information management curriculum. IFLA WLIC IFLA. World Library and Information Congress 79th IFLA General Conference and Assembly. Singapor:17-23Aug. Retrieved Jul.1, 2014 from http:// creativecommons.org/licenses/by/3.0/

Maina, Ch. (2012). Traditional knowledg management and preservation: Intersections with library and information science. The International Information & Library Review, 44: 13-27. doi:10.1016/j.iilr.2012.01.004

Munyua, H.& Stilwel, C. (2013). Three ways of small-case farmers in Africa with refrence to Kenya. Library & Information Science Research, 35, 326-337. Retrieved June.30, 2014, from http://dx.doi.org/10.1016/j.lisr.2013.04.005

Nakata, M & Langton, M. (2009). Australian indigenous knowledge and libraries. Sydney: University of Tecnology Sydney Press Press.

Mokhtari, H. & Arastoo, B., & Jahanshahi, O. (2005). Overview of an efficient knowledge management model for improving the role of agriculture educational system in the process of developing knowledge-based agriculture: The case of Iran. In EFITA/WCCA joint congress on IT in Agriculture. Portugal, Vila Real. 25-28 July, 2005.

Okorafor, C. (2010). Challenges conforting libraries in documentation and comunication of indigenous knowledge in Nigeria. The International Information & Library Review, 42:8-13. Doi:10.1016/j.iilr.2010.01.005

Sithol, J. (2007). Indigenous knowledge: The challenges faced by African libraries and information centres in documenting and preserving. IFLA Journal, 33: 117-123. . Retrieved december 18, 2013 from http://ifl.sagepub.com/content/33/2/117. DOI: 10.1177/0340035207080304